

نشان فروهر، اهورامزدا نیست!

یک اشتباه رایج در نشانه‌شناسی هنر ایران باستان

Farshid.ebrahimi@iranamag.com

فرشید ابراهیمی

فلان محقق انگلیسی گرفته تا بهمان دانشمند فرانسوی، به برداشت و تفسیر این نماد چند هزار ساله‌ی نیاکان ما پرداخته‌اند؛ بی‌آن که به دریافتی بایسته از فلسفه و جهان‌بینی ایرانی که بستری راستین و زاینده‌ی چنین نشانه‌هایی است، رسیده باشند.

چه ملال‌آور است نشانی خانگی پدری را از بیگانه پرسیدن!!!

ژنرال سرپرستی سایکس، سیاستمدار نامدار تاریخ معاصر ایران و رئیس پلیس جنوب کشور در دوره‌ی رضاشاه، در کتاب دوجلدی خود با نام «تاریخ ایران»، در توضیحاتی که زیر نگاره‌ی سنگ‌نوشته‌ی بیستون، همراه با تفسیر چهره‌های تاریخی آن به دست داده، با اشاره به نشان انسان بالدار چنین می‌نویسد: «... صورت بالا اهورامزدا است که پرواز می‌کند و شاه به ستایش او دست راست خود را بلند کرده است.»^۱

همین نویسنده در جایی دیگر از همان کتاب، بار دیگر این نماد را در سنگ‌نگاره‌های بیستون، اهورامزدا دانسته است: «بالای مجلس صورت اهورمزد می‌باشد که عبارت است از صورت آدمی با ریش و حلقه‌ای از نور که بر او احاطه دارد. داریوش دست راست خود را به علامت پرستش به طرف آن صورت گسترده است.»^۲

پروفسور رومن گیرشمن، باستان‌شناس نامی فرانسوی نیز که کتاب دوجلدی او (هنر ایران باستان) یکی از معتبرترین منابع دانشگاهی کشور ماست، از جمله دانشمندانی است که این نماد را اهورمزدا می‌داند. او در کتاب مشهور «ایران از آغاز تا اسلام» در این باره می‌نویسد: «... قرص بالدار دیده می‌شود که از آن، سر و شانه‌های اهورامزدا برخاسته است. همان تصویر، بر فراز نقش برجسته‌ی بیستون و در بعضی از ابنیه‌ی تخت جمشید در پرواز است.» او در ادامه، ناگهان برای نخستین بار خدای یکتای ایرانیان باستان (اهورامزدا) را دارای بال می‌داند! و می‌نویسد: «اهورمزدا، سرور دانا، یا خردمند در آسمان سلطنت می‌کند، و با بال‌های خود زمین و فرمانروای آن را در بر و تحت حمایت می‌گیرد. پادشاه هخامنشی-نایب‌السلطنه‌ی او بر زمین- سلطنت می‌کند. اهورامزدا خدای اعلی است، که در فوق همه‌ی بغان دیگر قرار دارد...»^۳

و همچنین هاید ماری کخ، بانوی فرزانه‌ی آلمانی، همسر باستان‌شناس مشهور والتیهیتس، که صاحب آخرین پژوهش‌های مطالعات هخامنشی به‌شمار می‌رود، در کتاب ارزشمند «از زبان داریوش» همانند دیگر دانشمندان غربی نماد نگاره‌های

کندوکاو در نشانه‌های بومی تمدن‌های باستانی و نمادهای هنری و دیرینه‌ی آن‌ها، همواره یکی از بغرنج‌ترین و پیچیده‌ترین پژوهش‌های باستان‌شناسی به‌شمار رفته است. چرا که گاه یک نشانه، علامت و یا نماد کوچک و ساده‌ی باستانی، درون خود جهانی از اساطیر و باورها را پنهان کرده که این همه، تنها برای یک روستایی ساده یا یک برزگر بومی در هر سرزمین، بسیار قابل درک‌تر و معنادارتر از یک توریست علاقه‌مند یا یک کارشناس غیربومی است! این شکاف آگاهی نیز همواره خود سبب کمبود و ناآگاهی‌های بیشتر در میان راهنمایان گردشگری و راهبران تورهای فرهنگی بوده است.

در این میان، یکی از نمادهای همیشه آشنا و جاودانه‌ی هنر ایران باستان که مفهوم راستین آن تا به امروز قربانی وجود همین ناآگاهی‌ها و شتابزدگی در تفسیرها شده، نشان مشهور قرص بالدار با سر پادشاهی هخامنشی است که درون حلقه‌ای در حال پرواز، دست راست خود را به معنای تقدس، رو به بالا قرار داده است.

این نماد را بسیاری از دانشمندان و باستان‌شناسان اروپایی از دهه‌های گذشته تا به امروز تصویر «اهورامزدا» نامیده‌اند و به پیروی از آنان، استادان ایرانی و راهنمایان آثار باستانی کشور نیز بی‌هیچ سند و سببی تنها گفته‌های آن را بازگو می‌کنند.

بارها و بارها دیده و شنیده‌ایم که راهنمایان تورها و کارشناسان حاضر در تخت جمشید، در برابر مخاطبان و بازدیدکنندگان، نمونه‌های فراوان این نماد را بر دیوارها و سکوهای بنای پارسه، اهورامزدا (خداوند) معرفی کرده و هنگامی که از آن‌ها انگیزه‌ی این نامگذاری پرسیده می‌شود، تنها خود را پیرو و بازگو کننده‌ی سخنان استادانی می‌دانند که از آن‌ها چنین آموخته و در برابر این آموخته‌ها، دانشنامه (مدرک) دریافت کرده‌اند!

اما آیا می‌دانید هنگامی که از استادان و کارشناسان دانشگاهی کشور که جهانی را در راه شناخت هنر ایران باستان پشت سر گذارده‌اند، سبب این نامگذاری پرسش شود، چه پاسخ خواهند داد؟

آنان نیز من و توی ایرانی را به دهه‌ها کتاب اروپایی رهنمون می‌شوند که در آن‌ها از

